# دعای مصباح شیخ در سوم شعبان


- الف) بررسی تهافت ظاهری در اسناد دعا
- ب) نکاتی در مدلول دعا

# الف) بررسی تهافت ظاهری در اسناد دعا

چطور شد من این را گفتم؟ گفتم سوم است و هر وقت سوم می‌شود، به یاد این قصیده‌ی اشان می‌افتم و ذکرش هم کرده‌ام. شاید هر سال نزدیک این ایام می‌شود در مباحثه این را گفته باشم. اما آنچه که مربوط به بحث ماست، این است: در مفاتیح هست، مرحوم آشیخ عباس از مصباح مرحوم شیخ و اقبال سید - که ایشان هم از خود مرحوم شیخ نقل می‌کنند - دو دعا را در روز سوم نقل می‌کنند. مرحوم مجلسی هم در جلد صد و یک السلامیه که نود و هشت بیورت می‌شود، نقل کرده‌اند. آنچه که به بحث ما مربوط می‌شود این است: من یادم نبود. شاید اگر آدم می‌خواست در نرم‌افزار بگردد، یادش نبود که چه چیزی بگردد. اما دیروز این دعا که یادم آمد، دیدم عجب! این دعای بسیار عالی روز سوم شعبان که از ناحیه امام عسکری سلام اللّه علیها آمده است، همین بحث ما است.

عبارت این است: «اللّهمّ إنی أسألک بحق المولود فی هذا الیوم»[1]. مرحوم مجلسی در دو-سه خط برای همین دعا توضیحاتی داده‌اند. انشاءاللّه نگاه کنید.

> «قال الشیخ فی المصباح والسید ابن طاووس فی الاقبال خرج إلی القاسم بن العلاء الهمدانی وکیل أبی محمد علیه السلام أنّ مولانا الحسین علیه السلام ولد یوم الخمیس لثلاث خلون من شعبان ، فصمه واعمل فیه بهذا الدعاء: اللّهمّ إنی أسئلک بحق المولود فی هذا الیوم ...»**[2]**.

البته مرحوم شیخ در مصباح، وقتی این دعا تمام می‌شود، فرموده‌اند: «ثم تدعو بعد ذلک بدعاء الحسین علیه السلام وهو آخر دعاء دعا به علیه السلام یوم کوثر»[3]. مرحوم مجلسی می‌فرمایند [4] مجهول بخوانید. «یوم کوثر» یعنی دشمن زیاد شد. حضرت علیه السلام را محاصره کردند. در اقبال[5] دارد «یوم الکوثر». در نقل شیخ کلمه «کوثر» و «الکوثر» آمده. ابن المشهدی[6] می‌گوید: «یوم الطف». آیا این دو روایت است؟ یا این دومی هم از ناحیه‌ی امام عسکری سلام اللّه علیه آمده است؟ احتمالش هست. وقتی آدم می‌خواند، به گمانش می‌آید که «ثم تدعوا بعد ذلک» در آن آمده است. ولی آخرش می‌گویند: «قال ابن عیاش». به نظرم ابن‌المشهدی «قال ابن عیاش» را اولش آورده و اینها را دو تا کرده است. ابن‌عیاش که از امام صادق علیه‌السلام نقل می‌کند، لذا با امام عسکری علیه السلام تفاوت می‌کند. لذا احتمالی که در مجموع اظهر است، این است که «ثم تدعوا» برای مرحوم شیخ طوسی است. یعنی آن دعا را بخوان «ثم تدعوا»؛ یعنی در همین روز دعای دیگری هم داریم که روایت ابن‌عیاش است. ابن‌المشهدی هم در دو روایت آورده است. ابن‌عیاش از امام صادق علیه‌السلام آن دعای لحظات آخر حضرت سید الشهدا علیه‌السلام را روایت کرده است که عجب مضامین و تشکیلاتی دارد! یکی هم قبل از آن است که مرحوم شیخ با سند همدانی نقل کرده بود. «...بکته السماء ومن فیها ، والأرض ومن علیها ، ولما یطأ لابتیها ...»؛ آیا ضمر «ها» به مدینه برمی‌گردد؟ یعنی لما یطأ الامام لابتی المدینه؟ یا نه، لما یطأ لابتی الارض؟ علی أیّ حال، به‌معنای

قبل از تولد است. قبل از تولد حضرت، آسمان و زمین بر آن حضرت علیه السلام گریه کرده است.

---

[1]. علامه‌ی مجلسی، بحار الأنوار (چاپ مؤسسة الوفاء)، ج ۱۰۱، ص ۳۴۷.

[2]. همان.

[3]. شیخ طوسی، مصباح المتهجد ج ۱، ص ۸۲۷.

[4]. علامه‌ی مجلسی، بحار الأنوار (چاپ مؤسسة الوفاء)، ج ۱۰۱، ص ۳۴۹.

[5]. سید بن طاووس، الإقبال بالأعمال الحسنة، ج ۳، ص ۳۰۴.

[6]. شیخ ابوعبدالله مشهدی، المزار الكبير، ج ۱، ص ۴۰۰.

# ب) نکاتی در مدلول دعا

## ۱- توافق معنایی فقره‌ی آیه‌ی «یسلموا تسلیما» با عبارت«واجعلنا ممن یسلم لامره»

تا آن جایی که مقصود الآن بنده است و می‌خواهم بگویم:

«اللّهمّ وكما أكرمتنا بمعرفته فأكرمنا بزلفته ، وارزقنا مرافقته وسابقته ، واجعلنا ممن يسلم لامره ، ويكثر الصلاة عليه عند ذكره وعلى جميع أوصيائه وأهل أصفيائه ، الممدودين منك بالعدد الاثني عشر»[1].

**«اللّهمّ وكما أكرمتنا بمعرفته فأكرمنا بزلفته»**؛ خدایا همانطوری که ما را گرامی داشتی تا حضرت علیه السلام را شناختیم، فقط شناسایی نباشد، **«فأكرمنا بزلفته»؛** به حضرت علیه السلام نزدیک شویم. همینطور معرفتی از دور نباشد.

**«وارزقنا مرافقته وسابقته، واجعلنا ممن يسلم لامره ، ويكثر الصلاة عليه عند ذكره وعلى جميع أوصيائه وأهل أصفيائه»**؛ این اکثار صلات از ضمائم و ذیول خطبة الوسیلة است که از خداوند درخواست می‌کند. «فأكثروا من الصلاة علي نبيكم»، در اینجا هم می‌فرماید: «واجعلنا ممن يسلم لامره، ويكثر الصلاة عليه عند ذكره».

خُب، «عند ذکره» یعنی وقتی نام حضرت علیه السلام می‌آید، اکثار صلات کنید، یعنی صد بار بفرستید؟ ممکن است ای «عند ذکره» به یک معنا یعنی همیشه به یاد او باشیم؟

تا یادم نرفته است، این را هم عرض کنم: اینکه «یسلموا تسلیما» در ذیل آیه‌ی «إنّ اللّهّ وملائكته يصلّون على النبي اي أيها الذين آمنوا صلّوا عليه وسلّموا تسليما» به چه معنا است؟ یعنی می‌گویند: سلام اللّهّ علیک؟ همانطور که می‌گویند: الصلاة علیک، می‌گویند: الصلاة و السلام علی رسول اللّهّ صلّی اللّهّ علیه وآله؟ اینطور است؟ یا خیر، «و یسلّموا تسلیما» یعنی «یسلّموا امره تسلیما الیه»؟ نه به‌معنای سلام، صلاتش به‌معنای درود است.

این یادداشت‌کردنی است. در این دعا، شاهد آن قول است. روایات متعددی هم دارد. «یسلّموا تسلیما» یعنی «یسلّموا لامره». اینجا می‌گوید: «و اجعلنا ممن یسلّم لامره». این تصریح به این است که از اینجا منظور از سلام، سلام و درود نیست. این چیزی که از این قسمت به بحث ما مربوط بود.

## ۲- تشابک شواهد در فقره‌ی «الممدودين منك بالعدد الاثني عشر»

دنبالهی آن هم نکات خوبی است. تنها اشاره میکنم: «المودودين منك بالعدد الاثني عشر»؛ این شمارهی دوازده، عدد مهمی است. حضرت علیه السلام میفرمایند: «المودودین منک»؛ اینها این عدد اثنی عشر را از ناحیهی تو دارند. به چه صورت است؟ آیهی شریفه میفرماید: «إِنَّ عِدَّةَ الشُّهُورِ عِندَ اللَّهِ اثْنَا عَشَرَ شَهْرًا فِي كِتَابِ اللَّهِ يَوْمَ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ»[2] که دیگر هم بعدش است. بشارت معروفی که در توراة هست؛ الآن هم هست. خدای متعال به حضرت ابراهیم علیه السلام میفرمایند: تو را در فرزندت اسماعیل بشارت میدهم به اینکه از او مُدمُد میآید و دوازده عظیم از او میآید. «اثنی عشر عظیما». میخواهم بگویم عدد دوازده خیلی مهم است. عدد دوازده شوخی نیست. عدد است؛ دارد شماره میدهد. آن هم یک شمارهای که شواهد و تشابکش از زمانی است که توراة آمده است.

خود ابنتیمیه با آن کار و کذایش و ابنکثیر و همه، اینها را قبول دارند. فقط میگوید: این دوازده نفر چه کسانی هستند. میشمارد. ابنتیمیه که میشمارد و زیدی را هم حساب میکند! اول و دوم و سوم و تا زیدی هم میرود. مثل ابن کثیر و ساریین زیدی را نمیآورند که بگویند او جزو این خلفای اثنی عشر است. تا امام مجتبی علیه السلام میرسد و بعد میگوید: علماء اتفاق دارند بر اینکه عمر بن عبدالعزیز از آنها است! عمر بن عبد العزیز که یک حالت مثبتی دارد، میگوید این از آنها هست. اما زیدی و ... معلوم نیست. خیلی هم اختلاف دارند. خود همین اختلاف در دوازده خیلی جالب است. میدانید یعنی چه؟ یعنی اصل عدد دوازده ثابت است، حال باید ببینیم چه کسانی هستند. این در بحث تشابک شواهد خیلی مهم است. همهی اینها را باید جمع کنیم. ببینید اصل عدد ثابت و مسلم است و این قدر سر آن بحث کردهاند. حال این عدد را بگیرید، در اینجا هم میفرمایند: «المودودين منك بالعدد الاثني عشر»؛ خدایا تو از ناحیهی خودت این اصفیاء و اولیاء از حضرت سید الشهداء ... . آنجا هم داشت: «المعوض من قتله أن الائمة من نسله والشفآء في تربته، و الفوز معه في أوبته، والاوصياء من عترته بعد قائمهم وغيبته»[3].

# ۳- رجعت جمیع ائمه(علیهمالسلام)

مرحوم مجلسی غیر از «کوثر» نکتهای دارند. فرمودهاند: «وهذه الفقرات تدل على رجعة جميع الائمة : في الكرة». اینها یادداشت کردنی است. به گمانم این در باب الرجعه مفصل بحارالانوار نیست. شما این را یادداشت کنید. در کنار بحاراتان بنویسید. مرحوم مجلسی فرمودهاند: «وهذه الفقرات تدلّ على رجعة جميع الائمة : في الكرة»؛ یعنی رجعتی که شیعه میگوید فقط مختص به سید الشهدا علیه السلام نیست که بعد از حضرت بقیة اللّه سلام اللّه علیه میآیند. جمیع ائمه علیهم السلام کرّه و رجعت دارند.

# ۴- «ويكثر الصلاة عليه عند ذكره»، اکثار کمی ای کیفی؟

بنابراین در «واجعلنا ممن يسلم لامره ، ويكثر الصلاة عليه عند ذكره» اکثار صلات خودش یک موضوعیتی دارد. مطلوبیتی دارد.

شاگرد: اگر کسی امام حسین علیه السلام را یاد کرد، چطور صلوات بفرستد؟

شاگرد ۲: این صلوات بر امام حسین علیه السلام نیست. بر خود پیامبر صلّی اللّه علیه و آله است.

استاد: «اللّهم صل علی محمد وعترته ، واحشرنا في زمرته»؛ زمره‌ی چه کسی؟ پیامبر خدا صلی‌اللّه‌علیه‌وآله، «وبوئنا معه دار الكرامة، ومحل المقامة. اللّهم وكما أكرمتنا بمعرفته فأكرمنا بزلفته ، وارزقنا مرافقته وسابقته اجعلنا ممن يسلم لامره ، ويكثر الصلاة عليه عند ذكره». من دعا را که خواندم، دیدم تقارن زمانی خیلی مناسبی بود. «وعلى جميع أوصيائه وأهل أصفيائه ، المدودين منك بالعدد الاثنى عشر ، النجوم الزهر ، و الحجج على جميع البشر». بعد هم ذکر فطرس می‌شود.

شاگرد: صلات به‌معنای تلیین شد، صلوات بر پیامبر خدا صلّی اللّه علیه و آله را چطور معنا می‌کنید؟

استاد: بله؛ این از بحث‌های مهمی است. حال مانده است. سه صلوات داریم: صلاة اللّه، صلاة ملائکته، صلاة المؤمنین. بحث خوبی است که باید به آن برسیم.

بنابراین «ويكثر الصلاة عليه عند ذكره» به این معنا می‌شود که وقتی به یاد حضرت علیه السلام می‌افتید، زیاد صلوات بفرستید. به گمانم به‌غیر از آن دو صلواتی که گفتم، صبح بخوانیم، احتمال دیگری هم هست. کلمه‌ی «عند ذکره» یعنی وقتی یاد پیامبر خدا صلّی اللّه علیه و آله می‌شود، وقتی یاد اهل‌بیت ایشان علیهم السلام که با ایشان معیت دارند، می‌شود، اکثار صلات کنید. بین متشرعه در این سنین که دارم، یک جا ندیدم که وقتی اسم حضرت علیه السلام را می‌آورند، بگویند صد بار مستحب است. اصلاً چنین چیزی نیست. در «یکثر الصلات عند ذکره» به تناسب حکم و موضوع احتمال می‌دهم که «یکثر عنده ذکره» در اینجا یعنی «دوام». یعنی می‌بینید گاهی است که صلوات می‌فرستد و گاهی نمی‌فرستد. اما یک وقتی است که می‌گوید: «و اجعلنا ممن یکثر الصلاة عند ذکره». یعنی مقید هستم. بر این مداوم هستم، ولو یک بار می‌فرستم، اما مداوم است. شاید این احتمال هم احتمال دوری نباشد. اکثار آن جا کمی است، اکثار در اینجا کیفی است. یعنی «یستمر و یداوم»؛ تا اسم مبارک حضرت علیه السلام را می‌شنود، مداومت دارد که صلوات بفرستد.

شاگرد: اول مقصودتان این بود که از حیث مفهومی حضرت علیه السلام صد بار را گفتند و حد تعیین کردند؟ در فقه بحثی هست که وقتی می‌خواستند «شیء» را معنا کنند، مصداق‌های مختلف را می‌آوردند، ولی می‌گفتند این‌ها مصادیق مختلفی هستند که در مفهومش نیست.

استاد: فرمایش شما نکته‌ی خوبی را در آن حدیث کافی شریف می‌آورد. روایت کافی شریف که اکثار را معنا کرد، برای باب نوادر الجمعه بود. حضرت علیه السلام زمان خاص را مطرح کردند. نه مطلق صلوات. فرمودند: در شب و روز جمعه بر من زیاد صلوات بفرستید. در یک روز که صدق مداومت نیست. لذا آنجا سؤال کرد که حد اکثار چقدر است؟ حضرت علیه السلام فرمودند: صد مرتبه. اما در اینجا مطلق است. می‌گوید «عند ذکره»؛ هر گاه به یاد حضرت افتادید... . «و اجعلنا ممن یکثر الصلاة عند ذکره»؛ وقتی قطعه زمانی خاصی نیست، به تناسب اکثار کیفی می‌شود. یعنی «دوام و یستمر علی هذه الحالة».

شاگرد ۲: «یکثر الصلاة عند ذکره» یعنی همان وقتی که یاد می‌کنید، اکثار کنید. اما شما اکثار را روی هر دفعه ذکر پخش می‌کنید. این خلاف ظاهر نیست؟! فرمودید به مناسبات این بیان را دارید.

استاد: خُب، شما چطور معنا می‌کنید؟

شاگرد: یک معنای دیگری هم می‌توان گفت؛ اینکه اکثار ناظر به همان سه به بالا است. اگر اسم پیامبر صلّی اللّه علیه و آله بیاید و کسی سه صلوات بفرستد، اکثار در ذکر می‌شود.

شاگرد ۳: ذکر یعنی به ذهن بیاید؛ یعنی هر بار که به ذهن شخص آمد، سه صلوات بفرستد؟! این نمی‌شود.

استاد: ایشان چنین معنا می‌کنند. ولی اگر منظور این‌چنین بود، بین متشرعه ولو بین بخشی از آن‌ها می‌خش کوبیده می‌شد. یعنی به‌عنوان یک استحباب، به‌عنوان یک سنت مستحب بین متدینین می‌شد و حال این‌که مرسوم نبوده است وقتی اسم مبارک حضرت صلّی اللّه علیه و آله برده می‌شد، سه بار صلوات بفرستند. اگر شاهدی پیدا شود ما حرفی نداریم.

شاگرد ۲: چه ضرورتی دارد که تحدید شود؟ یک جاهایی تحدید لازم است ولی این‌جا که هر چه بیشتر باشد، تناسب دارد چرا؟ اکثار را می‌گویند و بعد عند ذکره هر کسی هر چقدر می‌تواند، بخواند. این‌جا ضرورتی ندارد که یک تحدیدی شود.

شاگرد: اصلاً اقتضای کلام نیست. دو نفر دارند صحبت می‌کنند و اسم پیامبر صلّی اللّه علیه و آله می‌آید، اکثار صلات کنند؟!

استاد: این اندازه هست که همه می‌گویند پیامبر خدا صلی‌اللّه‌علیه‌وآله.

شاگرد: این‌که اکثار نیست.

استاد: نه، آن طوری که من عرض کردم، هست.

شاگرد: آن‌طور که شما فرمودید، می‌شود، ولی این‌طور که آقایان می‌گویند، دیگر معنای اکثار ندارد. یعنی باید کلام را قطع کند و سه بار صلوات بفرستد.

---

[1]. همان، ص ۳۹۸.

[2]. التوبه، آیه‌ی ۳۶.

[3]. علامه‌ی مجلسی، بحار الأنوار (چاپ: مؤسسة الوفاء)، ج ۱۰۱، ص ۳۴۷.